

درس دهم

«باغچه‌ی اطفال»

آموختنی‌ها

- ۱ آشنایی با جگر باغچه‌بان
- ۲ تقویت پشتکار و صبر و شکیبایی و خدمت به مردم
- ۳ اجزای اصلی جمله
- ۴ حروف ربط سین (چون، زیرا)



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

مکتب: محل درس خواندن	قریحه: ذوق... استعداد - طبع	بهره رساندن: سود رساندن، مفید بودن
فقال: کوشا	اجتماع: گروه	اولیا: جمع ولی، پدر و مادرها
برگزیده شدن: انتخاب شدن	لبریز: پر	اعتماد: اطمینان
اقامت گزیدم: در جای بسیار شدم	مقصود: ... نیت... خواسته... هدف	ماسوا: ... و ... غیر از
ذوق: ... شوق ...	فروزان: تابان، درخشان	فکندی: افکندی، انداختن
اختراع: ... نوآوری ... چیز جدید ساختن	اراده: ... تصمیم ... خواسته - میل	کرم: لطف، جوانمردی
عاجز: ناتوان	جویا: کجکلو، جست و جوگر	ابوالعجایب: پیر تشنه‌ی ... صاحب شوق ...
استعداد: ... توانایی ...	دایر شدن: ایجاد شدن - تشییع شدن	رحمت: مهربانی، دل سوزی
ابداع: نوآوری	عشق می‌وریدم: ... دوست داشتم ...	میسکین: فقیر - بی‌پول - بی‌عزت
حرفه: پیشه - شغل - کار	آیت: نشانه	مدار: بانرمی و ملایمت رفتار کردن
رونق داشتن: خوب بودن، وضع	سرمشق: الگو، نمونه	علم کند: ... می‌فهمد ... مشهور سازد
کسب و کار - مدح و ذم	کج: ... نادرست ...	میراث: ...
طبع: ذوق و استعداد	خشنود: خوشحالی ... شاد	
ذهن: فکر - اندیشه		

نگین: سنگ قیمتی که روی انگشتر می‌گذارند.

شرح حال: توضیح درباره‌ی وضعیت چیزی

هما: پرنده‌ای افسانه‌ای که اگر سایه‌اش بر سر کسی بیفتد، آن شخص سعادت‌مند می‌شود.



کلمات متضاد

گدا = ثروتمند	جدید = قدیم	ابتدا = انتها
توانا = ناتوان	لبریز = تهی	خالی = پر
قبول = مردود	باسواد = بی‌سواد	
مسکین = توانگر	طولانی = کوتاه	

کلمات هم خانواده

کتاب، مکتوب، کاتب، مکتب	رحمت، رحم، رحیم، رحمان	قند، قندان، قنادی
راضی، رضایت، مرضیه	کرم، کریم، کرامت، اکرم	شنونده، ناشنوا، شنوا - شنور
مقصود، قصد، قاصد	شهدا، شهید، شاهد، شهادت	طبع، طبیعت
صبر، صابر، صبور	اسیر، اسارت	
قبل، قبول، مقبول	قاتل، مقتول، قتل	

باغچه‌ی اطفال

او کودکی کنج‌آو و فعال بود کتاب می‌خواند و به نقاشی عشق می‌ورزید و مانند دیگر کودکان در مکتب درس می‌خواند. پس از آنکه دوره‌ی مکتب را به پایان رساند نزد پدر حرفه‌ی بنایی و نگارگری را یاد گرفت. ولی هیچ‌یک از این کارها طبع پرشور و ذهن جویای او را راضی نمی‌کرد و می‌خواست پیشرفت کند. او ابتدا در مدارس قفقاز به آموزش‌گاری برگزیده شد و پس از مدتی به ایران آمد و در تبریز به معلمی پرداخت. او که در شعله‌های فروزان خدمت به مردم می‌ساخت در تبریز کودکستانی دایر کرد و نام آن را باغچه اطفال گذاشت. در همان روزهای نخست، پسری ناشنوا به کودکستان آمد و او به این فکر افتاد که به کودکان ناشنوا خواندن و نوشتن بیاموزد و او پس از تلاش‌های فراوان توانست الفبای ناشنوایان را ابداع کند و به مقصود خود برسد. او کسی نبود جز جتار باغچه‌بان که معلمی دلسوز و مهربان بود که با دست خالی ولی صبر و پشتکار کارهای بزرگی انجام داد. جتار باغچه‌بان با اقدام بزرگ و خداپسندانه‌ای که انجام داد موقعیت تحصیل را برای دانش‌آموزان دارای قدرت فکر و اندیشه و محروم از نعمت شنوایی و بینایی و تکلم فراهم کرد تا بتوانند باسواد شوند و با همت و تلاش خود آینده‌ی خوبی را برای خودشان رقم بزنند.

الف: جدول زیر را با استفاده از متن درس کامل کن.

شَرَق - زَوَج - عَشَق

۱	ط	ا	ق		
۲	/	و	ن	ق	ی
۳	ق	/	ی	ن	ه
۴	ق	ف	ق	ا	ز
۵	م	ق	ص	و	ح
۶	م	ن	ق	ل	

قنادی - قره

قناتی - قنات

ب: در کلمات زیر حروف جا افتاده را با استفاده از حروف دغ، و، ق، کامل کن.

سر مشق

ا... قنات گزیدم

مقصود

قطعه ز... غالی

قفقاز

قناتی

منقل

روندقی

عشق می‌ورزیدم

قریه



تمرین

۱ هر مصرع از سمت راست را به مصرع مورد نظر سمت چپ وصل کن.

علی ای های رحمت، تو چه آیتی خدا را
 دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین
 برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن
 به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من
 به جز از علی که آرد پسری ابوالعجائب
 به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
 که به ماسوا کفندی همه سایه‌ی هما را
 چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا
 که علم کند به عالم شهدای کر بلا را
 که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

۲ درستی ☒ و نادرستی ☒ جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: دخنیدم، می‌تواند یک جمله باشد. ☒

در شهر تبریز

ب: باغچه‌بان، اولین مدرسه‌ی نابینایان را در شهر مرند، تأسیس کرد. ☒

پ: منظور از پسری ابوالعجائب، در شعر همای رحمت امام حسین (ع)، است. ☒

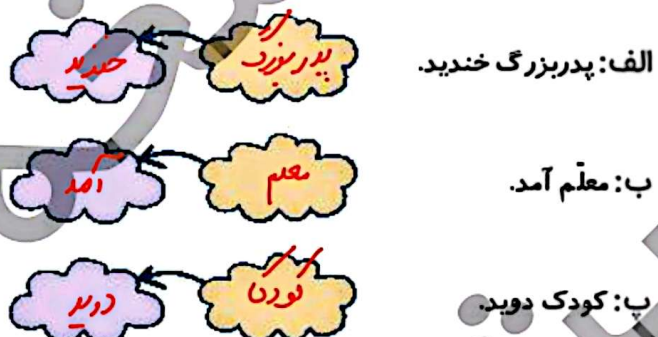
ت: گروه کلمات زیرا به، چرا، ولی، همگی حرف ربط هستند. ☒



۲ کلمه‌های هم‌خانواده، را مثل هم رنگ بزن.



۴ جمله‌ها را بخوان و نمودار آن‌ها را کامل کن.



۵ با توجه به متن درس، فعل‌های جملات زیر را بنویس.

الف: در اندیشه‌های دور و درازی میرم کا. میرم

ب: من به نقاشی عشق می‌ورزم کا. ورزم

پ: با آموزگاری می‌توان به اجتماع مردم حزین کرد.

ت: این کودکان می‌توانند مانند بقیه کودانند و بنویسند.

۶ کلمات غیر ساده را پیدا کرده، سپس اجزای آن‌ها را بنویس.

بلسود - ناشنوايان - پايان - ميهن - باغچه - كود كستان - مدرسه - قريحه - كودكان - اطفال

بلسود = با + سود

ناشنوايان = نا + شنوايان

باغچه = باغ + چه

نشانه جمع «ان»، چون معنی کلمه را تغییر نمی‌دهد، کلمه‌ی غیر ساده نمی‌سازد.



۷ کلمات هم معنی را با خط زیبا کنار هم بنویس.

خاص - کار - مهربانی - شور و شوق - نوآوری - فکر - ناتوان - استعداد

حرفه	کار	رحمت	مهربانی
ابداع	نوآوری	عاجز	ناتوان
ذوق	شور و شوق	اندیشه	فکر
قریحه	استعداد	ویژه	خاص

۸ مفرد جمع های زیر را بنویس.

افعال	اشعار	لایا
تصاویر	ناشنوایان	شعر
تصویر	ماشو	وی
	مسجد	

۹ تحقیق کن.

همای رحمت، یعنی چه؟
 پرینده ای اصنامی که از سایه اش به سر می نهند، آن شخص سعادت مند می شود.

۱۰ از روی بند آخر درس، خصوصیات جبار باغچه بان، را بنویس.

به مهربانی دانش آموز

فیل مهربان، روی نگه سنگی نشست. اشک‌هایش را پاک کرد. خسته شده بود. از خودش بدش می‌آمد یاد جوانی‌هایش افتاد. همه او را دوست داشتند با او بازی می‌کردند ولی حالا هیچ کس او را دوست ندارد همه او را اذیت می‌کنند و هیکل بزرگ وی ریخت او را مسخره می‌کنند او تصمیم گرفت برای همیشه از جنگل برود باران شروع به باریدن کرد. فیل خوشحال شد چون اشک‌هایش دیگر دیده نمی‌شدند از جایش بلند شد و به راه افتاد. حیوانات دیگر برای اینکه زیر باران خیس نشوند دنبال پناهگاه می‌گشتند یکی به طرف لانه‌اش می‌دوید یکی به زیر درختان می‌رفت. همه به دنبال جای امن بودند اما هیچ کس حواسش به او نبود که داشت از جنگل می‌رفت فیل مهربان رفت و رفت.

ناگهان
به همراه دانش آموزان

ب: در داستان بالا، جملاتی را که با اما، ولی، و چون، به هم وصل شدند پیدا کن و بنویس.

اما همه به دنبال جای امن بودند اما هیچ کس حواسش به او نبود.
ولی همه او را دوست داشتند، اما او با کسی نمی‌توانست بازی کند.
و از جایش بلند شد و به راه افتاد.
چون فیل خوشحال شد چون اشک‌هایش دیگر دیده نمی‌شدند.

۱۲ با توجه به سوالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: مفهوم کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) متحیرم چه نامم. شه ملک لاف می‌را ☒ بیانگر بزرگی و عظمت حضرت علی (ع)
- (۲) برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن ☒ کمک خواستن از حضرت علی (ع)
- (۳) که علم کند به عالم، شهدای کربلا را ☒ مشهور کردن شهدای کربلا به تمام جهان
- (۴) به علی شناختم من، به خدا قسم، خدا را ☒ شناخت خداوند به وسیله حضرت علی (ع)

ب: اصلی‌ترین بخش از جمله روبه‌رو کدام کلمه است؟ مدرسه‌های دیگر فرزندان را نمی‌پذیرند.

۱) نمی‌پذیرند ۲) فرزندان ۳) مدرسه‌ها ۴) دیگر

پ: در عبارت زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«نزد پدر، حرفه‌ی بنایی و غنای را یاد گرفتم؛ ولی هیچ یک از این کارها طبع پرشور و زهن جویای مرا رازی نمی‌کرد. من که با سختی‌ها بزرگ شده بودم. می‌خاستم بیشتر بگویم پیشرفت کنم و به خود و دیگران بیشتر بهره برسانم.»

۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج



می‌گویند معلم مکتب‌خانه‌ای بسیار بد اخلاق بود و به هر بهانه‌ای دانش آموزان مکتب‌خانه را کتک می‌زد. بچه‌ها پیش پدر و مادرشان از دست معلم خود شکایت کردند. کم‌کم شکایت‌ها بالا گرفت و کار به جایی رسید که پدر و مادرها جمع شدند و معلم بد اخلاق را از کار برکنار کردند و معلمی خوش اخلاق و مهربان را به جای او گذاشتند.

بچه‌ها از اخلاق خوب معلم تازه، سوءاستفاده کردند و از آنجا که معلم جدید کاری به کارشان نداشت، در عرض چند روز درس و مطالعه را رها کردند و اتاق مکتب‌خانه را به میدان جنگ خود تبدیل کردند. پدر و مادرها که دیدند هر روز فرزندانشان با سر و صورت خونی به خانه می‌آیند و درس و مشقی هم ندارند، فهمیدند که مشکل کجاست.

معلم تازه را برداشتند و معلم بد اخلاق قبلی را سر کلاس بردند. وقتی از آن‌ها می‌پرسیدند که چرا دوباره آن معلم بد اخلاق را به کارش برگردانید، در جواب این شعر را می‌خواندند:

پادشاهی پسر به مکتب داد لوح سیمینش بر کنار نهاد
پسر سر لوح او نوشته به زر جور استاد به ز مهر پدر

«فوت کوزه گری»

الف: معلم اول چگونه معلمی بود؟

بسیار بد اخلاق و به هر بهانه‌ای دانش آموزان را کتک می‌زد.

ب: چرا مدرسه به میدان جنگ تبدیل شده بود؟

معلم جدید ماری به جای بچه‌ها گذاشت.

پ: روش معلم اول بهتر بود یا معلم دوم؟

معلم اول

ت: یک ضرب‌المثل در متن به کار رفته است، آن را پیدا کن و بنویس.

حیور بسیار به ز همدید

